



Free Public Services as an Alternative to Imprisonment; the Production of Restorative Justice in the Light of Urban Law

Mehrdad Teymouri *

Assistant Professor, Department of Criminal Law
and Criminology, Islamic Azad University,
Tabriz, Iran.

Zahra Nouri

Master's student in Criminal law and
Criminology, Islamic Azad University, Tabriz,
Iran.

Abstract

The emergence of the concept of restorative justice is the result of the change in the attitudes and public views of criminal lawyers, criminologists and the enforcers of the penal system, due to the performance and negative and harmful results of criminal justice based on repression and punishment. One of the main concerns of the restorative justice school is preserving and guaranteeing citizenship rights. The school of restorative justice is a victim-oriented school and pays special attention to the rights of the victim as a forgotten citizen in the criminal process. For this reason, it deals with making the criminal accountable to the victim and other citizens involved in the crime. In recent years, most crime response systems are trying to provide their return to society by adopting treatment-oriented measures. However, the use of imprisonment as an important enforcement guarantee in dealing with delinquency in the criminal policy of different countries has not been very successful, and this has led to the tendency of legislative and judicial authorities to use its alternatives. With the aim of investigating the role of community services as alternative punishments to imprisonment in the light of urban law, this article has investigated the researches, articles, studies and documents related to the library method by using the descriptive and analytical research method. It was concluded that municipalities as one of the institutions accepting public benefit services (free public services), by welcoming the free services of convicts in municipalities, can play a significant role in the strategy of the goals of public benefit services in order to rehabilitate the criminal and not exclude him from the society in order to achieve the goals in line with restorative justice and protection of rights and urban security.

Keywords: alternative punishments of imprisonment, community service, correction and prevention, restorative justice, municipality, urban law

Received: 13/September/2024

Accepted: 15/November/2024

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

خدمات عمومی رایگان، جلوه‌ای از مجازات جایگزین حبس؛ فرآورد عدالت ترمیمی در پرتو حقوق شهری

مهرداد تیموری *

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

زهرا نوری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

ظهور مفهوم عدالت ترمیمی، حاصل تحول در نگرش‌ها و دیدگاه‌های عمومی حقوق‌دانان کیفری، جرم‌شناسان و مجریان نظام کیفری، به دلیل عملکرد و نتایج منفی و زیان‌بار عدالت کیفری مبتنی بر سرکوب و جزا بوده است. از دغدغه‌های اصلی مکتب عدالت ترمیمی، حفظ و تضمین حقوق شهروندی است. مکتب عدالت ترمیمی، مکتبی بزه‌دیده‌مدار است که توجه ویژه‌ای به حقوق بزه‌دیده به‌عنوان شهروند فراموش شده در فرایند کیفری دارد؛ به همین سبب، به پاسخگو نمودن بزه‌کار در قبال بزه‌دیده و سایر شهروندان درگیر در جرم می‌پردازد. در سال‌های اخیر، اکثر نظام‌های پاسخ‌گو به جرم تلاش دارند تا با اتخاذ تدابیر درمان‌مدار، بازگشت آن‌ها به جامعه را فراهم سازند لیکن استفاده از حبس به‌عنوان یک ضمانت اجرای مهم در برخورد با بزه‌کاری در سیاست کیفری کشورهای مختلف با موفقیت چندان همراه نبوده است. همین امر سبب گرایش مراجع تقنینی و قضایی به استفاده از جایگزین‌های آن شده است. مقاله حاضر با هدف بررسی نقش خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس در پرتو حقوق شهری با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به بررسی پژوهش‌ها، مقالات، مطالعات و اسناد مرتبط با روش کتابخانه‌ای به موضوع پرداخته است و این نتیجه حاصل گردید که شهرداری‌ها به‌عنوان یکی از نهادهای پذیرنده (مقرر در قانون) از خدمات عام‌المنفعه (خدمات عمومی رایگان) می‌توانند با استقبال از خدمات رایگان محکومین در شهرداری‌ها نقش بسزایی را در راهبرد اهداف خدمات عام‌المنفعه جهت بازپروری مجرم و عدم طرد وی از جامعه در راستای نیل به اهداف عدالت ترمیمی و حفظ حقوق و امنیت شهری داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: کیفرهای جایگزین حبس، خدمات عام‌المنفعه، اصلاح و پیشگیری، عدالت ترمیمی، شهرداری، حقوق شهری

مقدمه

امروزه، دیدگاه‌های نظری و اقتضاهای عملی سبب شده است تا اندیشه‌های مدیریتی مدرن، موجب تحولات فراوانی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها گردد. به جرئت می‌توان ادعا نمود، مفهوم جرم نیز یکی از مفاهیم پیوسته در حال تغییر بوده که همین امر، نظام عدالت کیفری را بر آن واداشته است تا به ارائه راهکارهای مدیریتی نوین در جهت کنترل نرخ ارتکاب جرائم بپردازد (نصر و قاسمی، ۱۴۰۲، ص ۴۵). با افزایش جمعیت کیفری زندان و مواجهه با این چالش مهم و نیز روشن شدن عدم کارایی مجازات حبس به دلایل مختلف از جمله بالا بودن هزینه‌های آن و سودمندی کم، غیرانسانی بودن، مشکلات سخت‌افزاری، ناامن بودن، شکست نظام اصلاح و درمان و همچنین، آثار ناگواری که در زمینه‌های بهداشتی (انتقال بیماری‌های مسری)، جرم‌شناختی (تکرار جرم و اعتیاد)، اخلاقی (روابط جنسی ناسالم و تجاوزات جنسی) و اجتماعی (انقطاع شغلی و روابط خانوادگی) بر بزه‌کار تحمیل می‌کند، تلاش‌های بسیاری به‌منظور گریز از اعمال آن صورت گرفت که یکی از آن‌ها، حرکت به‌سوی مجازات جایگزین حبس یا مجازات اجتماع‌محور بوده است؛ بنابراین، با رخت بر بستن تفکر قرن نوزدهمی در خصوص تمرکز بر مجازات حبس به‌عنوان مهم‌ترین روش پاسخ به جرم، از دهه ۱۹۶۰ به بعد، تأکید بر مجازات حبس کم‌رنگ و ضمانت اجرای اجتماع‌محور و جایگزین حبس، جایگزین آن شد و شتاب فزاینده‌ای گرفت (متین‌پارسا و مؤذن‌زادگان، ۱۴۰۱، ص ۳۰۵). سیاست جنایی سازمان ملل متحد و نظام‌های حقوقی پیشرفته معاصر نیز با الهام از دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری بر این اساس استوار است که استفاده از زندان به‌عنوان آخرین حربه برای مقابله با مجرمان خطرناک و توسل به مجازات اجتماعی جایگزین در سطح گسترده، نه تنها امنیت جامعه را تضمین می‌نماید بلکه ضمن رعایت الزامات ناظر بر حقوق بشر و کرامت انسانی، هزینه‌های عدالت کیفری را به‌گونه‌ای چشمگیری کاهش می‌دهد (خاکسار و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱) زیرا کنار هم قرار گرفتن مجرمین حرفه‌ای و مجرمین اتفاقی موجب می‌گردد تا تجارب و تفکرات مجرمانه بر مجرمین اتفاقی تأثیرات منفی گذاشته و روند اصلاح‌پذیری و بازپروری آنان را به تأخیر اندازد (خلیلی کالی و محرابی کالی، ۱۳۹۸، ص ۶۸). در اینکه مجازات حبس در خصوص برخی جرائم مهم، مفید و ضروری بوده و وجهه شرعی نیز دارد، تردیدی نیست اما معایب کثیر زندان و همچنین عدم تأمین اهداف اصلاحی از آن، دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا استفاده از این مجازات را تا حد امکان محدود نمایند (میرخلیلی و یعقوبی، ۱۳۹۶، ص ۹۹). سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران نیز با وضع قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و اختصاص فصل نهم این مجموعه به مجازات جایگزین، به پیروی از رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و سیاست‌های کلی و راهبردی نظام و دستورالعمل ساماندهی کاهش جمعیت زندان و الهام از آموزه‌های جدید جرم‌شناسی و کیفرشناسی، درصدد اصلاح و درمان مجرمین و بازاجتماعی کردن آن‌ها و پرهیز از اندیشه و تدابیر سزادهی و سرکوب‌گرانه صرف برآمده است (خاکسار و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۶). از شرایط و الزامات اعمال جایگزین‌های حبس، گذشت شاکی و جهات تخفیف بوده که این مهم براساس سیاست تقنینی و قضایی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حفظ حقوق بزه‌دیده و به‌نوعی مشارکت جامعه مدنی و اجرای عدالت ترمیمی در راستای اعمال جایگزین‌های است. این نهاد، نمادی بارز از یک سیاست جنایی مشارکتی (واکنش‌های کیفری در کنار تدابیر غیر کیفری) است (خاکسار و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۷). قطعاً اعمال جایگزین‌های حبس مبتنی بر مداخله جامعه مدنی، سبب اصلاح و درمان مجرمان، پیشگیری از تکرار جرم، حمایت از حقوق بزه‌دیده در راستای عدالت ترمیمی و کاهش جمعیت زندان خواهد بود (خاکسار و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲). از آنجاکه اجرای بسیاری از این تدابیر مانند خدمات اجتماع‌محور نیازمند مشارکت و همکاری مردم و نهادهای اجتماعی است، باید فرهنگ‌سازی را مهم‌ترین شرط لازم برای تضمین موفقیت برنامه‌های جایگزین تلقی نمود (حاجی‌تبار فیروزجائی، ۱۳۸۷، ص ۸۶). با توجه به اجرای

مجازات خدمات عمومی رایگان در بستر اجتماع و مشارکت نهادها و سازمان‌هایی خارج از دستگاه قضا، تحقق انتظار فوق به زیرساخت‌های فرهنگی و اجرایی متعدد و متنوع از جمله آموزش مناسب قضات، فرهنگ‌سازی عمومی و ایجاد بسترهای متناسب جهت تعامل دستگاه قضا و نهادهای پذیرنده نیاز دارد (مؤذن‌زادگان و متین پارسا، ۱۴۰۰، ص ۳۴۷).

هدف اصلی اعمال مجازات جایگزین حبس و خدمات عام‌المنفعه، تحقق عدالت ترمیمی، بازپروری مجرم و بازیکپارچگی اجتماعی مجرم است (فرح‌بخش و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۵۸). در پی ایرادهای وارد بر عدالت کیفری متعارف (کلاسیک) و آشکار شدن ناکارآمدی هر دو شکل آن (سزادهنده و بازپرورانه)، الگوی جدیدی در سیاست جنایی مطرح شد که به عدالت ترمیمی موسوم گشته است. این قسم از عدالت کیفری، نظر و توجه خود را از بزه و بزه‌کار به بزه‌دیده و جبران انواع خسارت‌های وارد بر او معطوف کرده است (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۹۳). بدین ترتیب، ظهور عدالت ترمیمی، نتیجه یکی از مهم‌ترین تحولات ایجادشده در نگرش به عدالت کیفری و رویکردهای جرم‌شناختی و به‌طور کلی، تحول در تفکر ناظر بر جرم در طول دو دهه گذشته است. علاوه بر این، عدالت ترمیمی به‌عنوان فلسفه و مبانی نظری حل اختلاف‌ها و تعارض‌ها و مدلی برای عدالت در امور کیفری نمایان شده است (نوربخش و والی‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۶). در ضمن، قانون‌گذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، جلوه‌ها و مؤلفه‌های عدالت ترمیمی از جمله میانجی‌گری و اقدامات سازشی میان طرفین دعوی را مورد توجه قرار داده است به‌گونه‌ای که ماده ۱ این قانون، قواعد و مقررات حاکم بر میانجی‌گری و صلح میان طرفین را بخشی از تعریف و از عناصر آیین دادرسی کیفری دانسته است (بیاتی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۱). فرض اساسی پارادایم عدالت ترمیمی این است که جرم، نه فقط نقض قانون که بیشتر تعدی به حقوق افراد و جامعه است. بدین ترتیب، مناسب‌ترین پاسخ به رفتار جنایی، آن است که آسیب‌های ناشی از عمل غیرقانونی نیز ترمیم گردد (علیوردی‌نیا و انصاری، ۱۳۹۸، ص ۱۵۵).

عدالت ترمیمی، یک فرایند برای درگیر نمودن کسانی است که سهمی در یک جرم خاص دارند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات، زیان‌ها و تعهدات جهت التیام بخشیدن و راست گردانیدن امور، به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است، اقدام نمایند (زهر، ۱۳۸۳، ص ۶۲). عدالت ترمیمی، الگوی جدیدی در سیاست جنایی است که بر احیای حقوق بزه‌دیده و حل و فصل مسائل ناشی از وقوع بزه و ترمیم خسارت‌ها به‌ویژه خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده و نیز احیای بزه‌کار با مشارکت آزادانه و فعال بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه محلی، از طریق مذاکره و گفتگو، در قالب سازوکارهایی مانند میانجی‌گری و نشست‌های گروهی و خانوادگی و مدل حلقه‌ها و رسیدن به مصالحه و توافق اجتماعی تأکید می‌نماید (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۸۶). بنا بر اصل هفتم قطعنامه سازمان ملل تحت عنوان «اصول بنیادی در امور استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی»، زمانی فرآیند ترمیمی قابل اعمال است که بزه‌کار نیز آزادانه و داوطلبانه به آن متوسل شود به‌طوری که در جریان فرآیند، هر لحظه که بخواهد از آن خارج شده و به عدالت کیفری سنتی رجوع نماید. همچنین، اعمال فرآیند ترمیمی به‌ویژه نسبت به بزه‌کار باید شامل تعهدات و تکالیف معقول و متناسب برای او باشد. بدین‌سان، اصل تناسب جرم و مجازات معمول در عدالت کیفری باید به‌نوعی در فرآیند انعطاف‌پذیر ترمیمی نیز رعایت شود (محمودی، ۱۳۹۸، ص ۲۴۸). عدالت ترمیمی، یکی از جدیدترین و درعین حال بهترین گرایش‌هایی است که می‌توان تضمین حقوق شهروندی را از میان اصول و اهداف این مکتب جستجو نمود. با مطالعه نظرات ارائه‌شده اندیشمندان در خصوص این مکتب می‌توان به دغدغه اصلی آن که همان حفظ حقوق افراد و جامعه است، پی برد. عدالت ترمیمی درصدد ایجاد توازن بین نگرانی‌های بزه‌دیده و جامعه محلی بوده و موجب بازسازی بزه‌کار با جامعه می‌شود. عدالت ترمیمی درصدد فراهم کردن تشفی خاطر بزه‌دیده و ارزیابی میزان بهبود لطمات وارده به وی است. این مکتب همه طرفین سهیم در فرآیند رسیدگی را قادر می‌سازد تا فعالانه در این فرآیند شرکت نمایند (رایت، ۱۳۸۴، ص ۱۳). آرمان عدالت ترمیمی، ارتقاء نقش جامعه در جبران ضرر و زیان بزه‌دیده و

بازپروری بزه کار است. بسیاری از برنامه‌های عدالت ترمیمی بر نقش اجتماع در پاسخ به جرم و پیشگیری از آن تأکید دارد. در این برنامه‌ها تأکید می‌شود که جامعه می‌تواند نسبت به جبران زیان بزه‌دیده‌ها و جذب مجدد بزه‌کاران اقدام نماید. با وجود این، در همه جوامع، مشارکت در برنامه‌های عدالت ترمیمی یکسان نبوده و درجات مختلفی از فعالیت جوامع محلی قابل مشاهده است (نوربخش و والی‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۳). عدالت ترمیمی به‌واسطه تأکید بر اقدامات اجتماع‌محور و در نظر گرفتن نقشی فعال برای تمامی ذی‌نفعان در ترمیم آسیب از بار مداخلات رسمی می‌کاهد و رویکرد اجتماع‌محور خود را در چاره‌جویی‌ها جهت ترمیم به نمایش می‌گذارد. آنجا که مسئولیت رسیدگی به جرم و کاهش آن، دیگر تنها بر دوش محاکم رسمی نیست، چتر عدالت ترمیمی بر سر جامعه و سیستم قضاوت گسترده می‌شود (علیوردی‌نیا و انصاری، ۱۳۹۸، ص ۱۵۶). از آنجا که تمرکز اصلی عدالت ترمیمی، احیای رابطه بزه‌دیده، بزه کار و جامعه محلی با رعایت درجه احترام و حمایت از آن‌ها است، این اقدامات در استقرار امنیت اجتماعی و حفظ حقوق شهری تأثیرگذار خواهد بود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۲۰). لذا، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا کیفرهای جایگزین حبس می‌تواند نتیجه مطلوبی بر جامعه و حفظ حقوق شهروندی، از طریق انجام خدمات عمومی رایگان یا عام‌المنفعه در شهرداری‌ها، به‌منظور نقش‌آفرینی خلاق و کارآمد در راستای نیل به اهداف عدالت ترمیمی داشته باشد؟

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- مجازات جایگزین حبس

مجازات‌ای است که میان حبس و آزادی مشروط قرار داشته و در حقیقت، نه سلب‌کننده آزادی بوده و نه به معنای آزادی است؛ از این رو، مجازات بینابین نیز خوانده می‌شوند (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۴۸). مارک آنسل، مجازات جایگزین حبس را مجازاتی تعریف می‌کند که برای اجتناب از آثار و عواقب زیان‌بار کیفر حبس پیش‌بینی شده است (حاجی‌تبار فیروزجائی و صفاری، ۱۳۸۶، ص ۷۴).

۱-۲- خدمات عمومی رایگان

خدمات عام‌المنفعه‌ای است که با رضایت محکوم برای مدت معین و به‌طور رایگان به‌موجب حکم دادگاه در نهادهای پذیرنده انجام می‌گیرد.

۱-۳- عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی که در ربع آخر قرن بیستم، به‌عنوان بدل یا مکمل الگوهای کلاسیک عدالت کیفری پیشنهاد گردیده است، به‌جای تمرکز به بزه که شاخص عدالت سزادهنده است و یا بزه کار که عدالت بازپرورانه به آن نظر دارد، اساسی‌ترین رسالت خود را ترمیم ضرر و زیان بزه‌دیده و نیز جامعه به‌عنوان متأثر از جرم می‌داند (احمدی ندوشن، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

۱-۴- حقوق شهری

حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط متقابل شهروندان و ادارات شهر را در امور محلی و شهری تنظیم کرده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر نهادهای شهری را تبیین می‌نماید.

۲- مبانی مجازات جایگزین حبس و خدمات عام‌المنفعه در نظام حقوقی ایران

۱-۲- مجازات جایگزین حبس

طبق ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات جایگزین حبس عبارت از:

۱- دوره مراقبت

۲- خدمات عمومی رایگان

۳- جزای نقدی

۴- جزای نقدی روزانه

۵- محرومیت از حقوق اجتماعی

که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف، با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود. تبصره: دادگاه در ضمن حکم، به سختی و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده تصریح می‌کند. دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات جایگزین حکم دهد.

۲-۲- خدمات عمومی رایگان (عام‌المنفعه)

طبق بند ب ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی (شماره ابلاغیه ۶۶۸۶۲/ت/۵۰۱۳۹ هـ ۱۳۹۳/۶/۱۲) ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی، خدمات عمومی رایگان:

با رضایت محکوم برای مدت معین و به‌طور رایگان به‌موجب حکم دادگاه و وفق ماده (۸۴) قانون به شرح مندرج در این آیین‌نامه، در نهادهای پذیرنده انجام می‌گیرد.

طبق ماده ۲ این آیین‌نامه، خدمات عمومی رایگان عبارت‌اند از:

الف- امور آموزشی شامل سوادآموزی، آموزش‌های علمی، فرهنگی، دینی، هنری، ورزشی، فنی و حرفه‌ای و آموزش سبک زندگی و مهارت‌های اساسی آن.

ب- امور بهداشتی و درمانی شامل اقدامات تشخیصی-درمانی، توان‌بخشی، مامایی، بهیاری و پرستاری، نگهداری سالمندان، معلولان و کودکان، مشاوره و روان‌درمانی، بهداشت محیط و درمان اعتیاد.

پ- امور فنی و حرفه‌ای شامل خدمت در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، صنایع وابسته به نهادهای پذیرنده و بخش‌های فنی آن‌ها.

ت- امور خدماتی شامل نگهداری و سراینداری نهادهای پذیرنده، نظافت اماکن عمومی، حفاظت و نگهداری از فضاهای سبز و بوستان‌های شهری و باغبانی در اماکن مزبور، تعمیر و نظیف وسایل نقلیه عمومی و دولتی و اماکن ورزشی و پارکبانی.

ث- امور کارگری شامل کارگری در بخش‌های ساختمانی، راه‌سازی، معادن، شیلات، مراتع، سدسازی و دیگر طرح‌های عمرانی متعلق به نهادهای پذیرنده.

ج- امور کشاورزی، دامداری، جنگل‌داری و مرتع‌داری شامل درختکاری، باغبانی، برداشت محصول، مرغداری، پرورش آبزیان و انجام کار در نهادهای پذیرنده و مؤسسات کشت و صنعت وابسته به آن‌ها.

ماده ۳- موارد زیر از شمول این آیین‌نامه خارج است:

الف- آن دسته از خدمات عمومی رایگان که با اماکن دارای طبقه‌بندی، داده‌های محرمانه و اسناد طبقه‌بندی‌شده و مانند آن‌ها مرتبط است.

ب- ارائه هرگونه خدمات شخصی توسط محکوم به مسئولان و کارکنان نهادهای پذیرنده.

ماده ۴- نهادهای پذیرنده موضوع این آیین نامه عبارت‌اند از:

الف- وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش، ورزش و جوانان، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم، تحقیقات و فناوری، جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی، کشور، صنعت، معدن و تجارت، نیرو و نفت و سازمان‌ها و مؤسسات و ادارات کل تابع آن‌ها.

ب- سازمان‌های حفاظت محیط زیست، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، آموزش فنی و حرفه‌ای، اوقاف و امور خیریه، زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، پزشکی قانونی و بهزیستی کشور.

پ- شهرداری‌ها، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان تأمین اجتماعی، کمیته ملی المپیک ایران، بسیج سازندگی، جهاد دانشگاهی و مراکز نگهداری جانبازان، معلولان، سالمندان، کودکان و نوجوانان، درمان اعتیاد وابسته به دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی غیردولتی مذکور در بندهای فوق‌الذکر.

ماده ۵- نهادهای پذیرنده متقاضی به کارگیری محکومان در هر حوزه قضایی مکلف‌اند ظرفیت پذیرش و نوع خدمت موردنیاز خود را بر اساس خدمات مندرج در مواد ۲ و ۳ این آیین نامه و با ذکر نشانی محل به کارگیری محکوم، هر شش ماه یک بار با هماهنگی فرمانداران حوزه مربوط به بالاترین مقام دستگاه مربوط در سطح ملی، ارائه نموده و مقامات یادشده نیز اطلاعات به دست آمده را پس از تأیید، در اختیار دادستان کل کشور قرار دهند تا به نحو مقتضی به دادستان محل یا رئیس دادگاه بخش اعلام نمایند.

ماده ۶- دادگاه صادرکننده رأی با رضایت محکوم و با توجه به نوع جرم، صلاحیت علمی و اخلاقی، شخصیت، تخصص، مهارت، تجربیات و سن محکوم و همچنین، ملحوظ داشتن ظرفیت و اولویت نهادهای پذیرنده خدمت و سایر شرایط قانونی، نوع، مدت و ساعات خدمت عمومی رایگان را تعیین خواهد کرد.

ماده ۷- در صورت نبود ظرفیت پذیرش یا خدمت موردنظر در حوزه قضایی دادگاه صادرکننده حکم و وجود ظرفیت پذیرش در سایر حوزه‌های قضایی، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند با رضایت محکوم و با اعطای نیابت، محکوم را به سایر حوزه‌ها اعزام کند.

ماده ۸- پس از صدور حکم قطعی مبنی بر انجام خدمات عمومی رایگان و ارسال پرونده به اجرای احکام، قاضی اجرای احکام محل اجرای حکم با رعایت قانون و ماده ۴۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) و در چارچوب حکم صادرشده، محکوم را به نهاد پذیرنده معرفی و بر نحوه اجرای حکم نظارت می‌نماید.

تبصره: قاضی اجرای احکام، نسخه‌ای از رونوشت معرفی‌نامه محکوم را به مرکز حفاظت اطلاعات قوه قضاییه و حفاظت و حراست نهاد پذیرنده ارسال می‌کند.

ماده ۹- نهاد پذیرنده محکوم، علاوه بر رعایت مسائل امنیتی و حفاظتی در خصوص به کارگیری محکوم، مکلف است ضمن نظارت بر عملکرد محکومان معرفی شده، به صورت ماهیانه گزارش تفصیلی محکومان را با اعلام نظر صریح در خصوص شروع به کار و نحوه انجام خدمات شامل ساعات حضور روزانه، میزان غیبت و تأخیر وی، هرگونه بی‌نظمی و کوتاهی در انجام خدمت محوله و میزان رضایتمندی نهاد پذیرنده و مراجعان از خدمت ارائه شده را به نحو کامل به اجرای احکام مربوط گزارش نماید.

ماده ۱۰- محکومان معرفی شده باید بدون هیچ گونه نشانه یا لباس متمایزی در نهاد پذیرنده حاضر و به انجام خدمت مبادرت ورزند.

ماده ۱۱- چنانچه به هر علت، انجام خدمت عمومی در محل تعیین شده ممکن نباشد یا محکوم بنا به عذر موجه در اثنای انجام خدمت عمومی، متقاضی تغییر نوع یا محل خدمت باشد، نهاد پذیرنده باید مراتب را به قاضی اجرای احکام محل اجرای حکم منعکس نماید. در این صورت، قاضی اجرای احکام، حسب مورد با لحاظ رأی دادگاه و مفاد این آیین‌نامه موضوع را بررسی و تصمیم مقتضی را اتخاذ خواهد نمود.

ماده ۱۲- قاضی اجرای احکام با توجه به گزارش ماهانه نهاد پذیرنده و وضعیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی محکوم و آثار اجرای حکم و سایر جهات در چارچوب ماده ۷۷ قانون و سایر گزارش‌های واصله، حسب مورد تخفیف یا تبدل یا توقف موقت یا تشدید مجازات خدمات عمومی رایگان را وفق مقررات قانونی به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد می‌کند.

ماده ۱۳- اجرای خدمات عمومی رایگان باید به گونه‌ای باشد که تمامی قوانین و مقررات مربوطه از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت فنی، بهداشتی، ایمنی و ضوابط کارهای سخت و زیان‌آور رعایت شود.

ماده ۱۴- به منظور اجرای هدفمند و منظم مجازات جایگزین از جمله خدمات عمومی رایگان و پیگیری و نظارت بر آن، دادستان یا رئیس حوزه قضایی بخش، حسب نیاز می‌تواند شعبه یا شعبی از اجرای احکام کیفری را به عنوان اجرای احکام مجازات جایگزین تعیین کند.

ماده ۱۵- در راستای تحقق کامل اهداف قانون‌گذار، به‌ویژه کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و ایجاد هماهنگی، فراهم کردن زمینه اجرای دقیق و صحیح، نظارت و پایش مجازات جایگزین، واحد نظارت و ارزیابی اجرای مجازات جایگزین متناسب با امکانات موجود در دادستانی کل کشور تشکیل خواهد شد. دادستان کل کشور مکلف است با همکاری وزارت دادگستری، سالانه گزارشی از فعالیت‌ها و اقدامات انجام‌شده در این زمینه را تهیه و به رئیس قوه قضاییه و هیئت‌وزیران ارائه نماید.

ماده ۱۶- قوه قضاییه با استفاده از ظرفیت سامانه مدیریت خدمات قضایی نسبت به جمع‌آوری، حفظ، نظارت و بهره‌گیری از اطلاعات مربوط به اجرای خدمات عمومی رایگان اقدام می‌نماید.

۲-۳- ساعات ارائه خدمات عمومی رایگان (ماده ۸۴ ق.م.ا)

۱- جرائم موضوع بند الف ماده ۸۳ ق.م.ا (در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها، حداکثر سه ماه حبس است) تا دوپست و هفتاد ساعت.

۲- جرائم موضوع بند ب ماده ۸۳ ق.م.ا (در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها، نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرائمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است)، دوپست و هفتاد تا پانصد و چهل ساعت.

۳- جرائم موضوع بند پ ماده ۸۳ ق.م.ا (در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال است)، پانصد و چهل تا هزار و هشتاد ساعت

۴- جرائم موضوع بند ت ماده ۸۳ ق.م.ا (در جرائم غیرعمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال است)، هزار و هشتاد تا دو هزار و صد و شصت ساعت.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل، بیش از چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال، ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود.

تبصره ۲- حکم به ارائه خدمت عمومی مشروط به رعایت همه ضوابط و مقررات قانونی مربوط به آن خدمت از جمله شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت‌های فنی و بهداشتی و ضوابط خاص کارهای سخت و زیان‌آور است.

تبصره ۳- دادگاه نمی‌تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین‌نامه موضوع این فصل حکم دهد. در هر حال، در صورت عدم رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.

تبصره ۴- قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آن‌ها، انجام خدمات عمومی را به‌طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم پیشنهاد دهد.

۳- شرایط و موارد اعمال مجازات جایگزین حبس و خدمات عام‌المنفعه

۳-۱- شرایط اعمال مجازات جایگزین حبس

در مواردی که اعمال مجازات جایگزین حبس الزامی است، دادگاه می‌بایست بدون هیچ‌گونه پیش‌شرطی، اقدام به تعیین جایگزین حبس نماید اما در مواردی که اعمال این نوع مجازات اختیاری است، دادگاه باید طبق موارد مذکور در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر عمل نماید:

۱- گذشت شاکی خصوصی

۲- احراز جهات تخفیف

با ملاحظه:

۱- نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن (شرایط مربوط به بزه):

نوع جرم: بسته به اینکه مورد از جرائم عمدی یا غیرعمدی باشد، اعمال جایگزین‌های حبس نیز به همان نسبت متفاوت است.

کیفیت ارتکاب جرم: کیفیت ارتکاب جرم را می‌توان به چگونگی و نحوه ارتکاب جرم و همچنین، شرایط وقوع جرم، تفسیر نمود. معیارهای تأثیرگذار بر کیفیت ارتکاب جرم می‌تواند مختلف باشد، از جمله تعداد مرتکبین، اتفاقی بودن ارتکاب جرم یا با قصد قبلی بودن آن، زمان و مکان ارتکاب جرم و ساده یا پیچیده بودن جرم (محمدحسین زاده و مرادقلی، ۱۳۹۲، ص ۱۵).

۲- ملاحظه آثار ناشی از جرم (شرایط مربوط به بزه):

با ارتکاب جرم، آثار مادی یا روحی و روانی متعددی بر بزه‌دیده یا بستگان وی و همچنین بر جامعه وارد می‌شود که هرچه این آثار بیشتر باشد، احتمال حکم به جایگزین‌های حبس کاهش می‌یابد (محمدحسین زاده و مرادقلی، ۱۳۹۲، ص ۱۵).

۳- ملاحظه سن، مهارت، شخصیت و سابقه مجرم (شرایط مربوط به بزه‌کار):

به این نوع از شیوه تعیین مجازات، اصل فردی‌سازی مجازات یا اصل تناسب مجازات با جرم گفته می‌شود. در این اصل، قاضی برای تعیین مجازات باید به شخصیت متهم، شرایط، سوابق و علل سوق وی به بزه‌کاری توجه نماید زیرا کیفر باید متناسب با درجه خطرناکی متهم باشد تا او را اصلاح نموده و برای بازگشت به جامعه آماده کند.

۴- ملاحظه وضعیت بزه‌دیده و سایر شرایط:

یکی از مهم‌ترین شرایط اعمال مجازات جایگزین حبس، گذشت شاکی و جبران خسارت وی است. این رویکرد قانون‌گذار، نشان از توجه او به عدالت ترمیمی در فرایند دادرسی است. از اساسی‌ترین رسالت عدالت ترمیمی، جبران ضرر و زیان بزه‌دیده و نیز جامعه به‌عنوان متأثر از جرم است.

- دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات جایگزین حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود (ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی).

- همراه بودن سایر مجازات با مجازات حبس، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس نیست. در این صورت، دادگاه می‌تواند به مجازات مذکور هم‌زمان با مجازات جایگزین حبس حکم دهد (ماده ۷۵ قانون مجازات اسلامی).

- ملاک تعیین صلاحیت دادگاه و تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت به مجازات جایگزین حبس، مجازات قانونی جرم ارتكابی است (ماده ۷۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۱ ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری).

- قاضی اجرای احکام می‌تواند با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند. قاضی مذکور به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار دارد (ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی).

- محکوم در طول دوره محکومیت باید تغییراتی نظیر تغییر شغل و محل اقامت را که مانع یا مخل اجرای حکم باشد، به قاضی اجرای احکام اطلاع دهد (ماده ۷۸ قانون مجازات اسلامی). ضمانت اجرای این ماده، ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی است.

- چنانچه رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد، دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام برای یک بار بقیه مدت مجازات را تا نصف آن تقلیل دهد (ماده ۸۰ قانون مجازات اسلامی).

- دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم وی را به یک یا چند مورد از مجازات تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. در این صورت، مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود (ماده ۸۷ ق.م.ا).

طبق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، جهات تخفیف عبارت‌اند از:

- ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.
- ۲- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کاررفته برای ارتکاب آن.
- ۳- شرایط خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

۴- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی.

۵- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری.

۶- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن.

۷- خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیان‌بار جرم.

۸- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

۳-۲- موارد اجباری اعمال مجازات جایگزین حبس

در رابطه با برخی از جرائم، دادگاه مکلف است طبق قانون، مجازات حبس جرم را به مجازات جایگزین حبس تبدیل نماید.

این موارد عبارت‌اند از:

الف- طبق ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی، مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ب- طبق ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی، مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند، مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

۱- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری.

۲- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

ج- طبق ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی، مرتکبان جرائم غیرعمدی با مجازات قانونی جرم ارتكابی، کمتر از ۲ سال حبس باشد.

د- طبق ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی، مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

ه- در قانون در پاره‌ای از موارد، عملی جرم شناخته شده اما مجازاتی برای آن پیش‌بینی نشده است، مثل ماده ۲۸ قانون مطبوعات که مقرر داشته است: «انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی، ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود».

دادگاه در این موارد موظف است به جای حبس، حکم به مجازات جایگزین حبس دهد.

۳-۳- موارد اختیاری اعمال مجازات جایگزین حبس

قانون‌گذار در رابطه با مجازات برخی از جرائم، این اختیار را به دادگاه اعطا کرده است تا در صورت احراز شرایط، مجازات حبس آن جرائم را به یکی از انواع مجازات جایگزین حبس تبدیل نماید. این جرائم عبارت‌اند از:

الف) طبق ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی، دادگاه می‌تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است، به مجازات جایگزین حبس محکوم کند. در صورت وجود شرایط ماده ۶۶، این قانون اعمال مجازات جایگزین حبس ممنوع است.

ب) طبق ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی، در جرائم غیرعمدی با مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس، حکم به مجازات جایگزین حبس اختیاری است.

۳-۴- موارد ممنوعیت اعمال مجازات جایگزین حبس

۱- طبق ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی، مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز

تا شش ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند، مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:

الف) بیش از یک فقره، سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال یا شلاق تعزیری

ب) یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیه.

۲- طبق ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی، اعمال مجازات جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.

۳- طبق ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی، تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

۴- طبق ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی، در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است، در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.

۳-۵- ضمانت اجرای مجازات جایگزین حبس

طبق ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی، چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.

تبصره- دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را به‌طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قاضی اجرای احکام نیز در ضمن اجرا با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌نماید.

طبق ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی، چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن بعد از رفع، مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به‌واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجرا می‌شود.

۴- ویژگی جایگزین‌های حبس

مجازات اجتماعی، کیفرهایی هستند که محدودکننده حقوق و آزادی‌های فردی بوده و دارای خصایص اصلاحی هستند و در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۴-۱- اجتماعی و مشارکتی بودن

یکی از خصوصیات مجازات جایگزین حبس، اجتماعی بودن آن است؛ بدین معنا که محکوم مجازاتش را در اجتماع تحمل می‌کند. در مفهوم موسع سیاست جنایی، تنها دولت به معنی نهادهای رسمی مختلف همانند دادگستری، وزارتخانه‌ها و غیره عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه نیست بلکه پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی جامعه مدنی و نهادهای مختلف مردمی نیز به پاسخ‌های دولتی افزوده می‌شوند. به عبارت دیگر، دولت و جامعه مدنی در قالب هیئت اجتماع عهده‌دار پاسخ به پدیده مجرمانه هستند (صانعی، ۱۳۷۱، ص ۳۶)؛ بنابراین، امروزه بیش‌ازپیش به نقش مردم در فرایند عدالت کیفری توجه می‌شود و در کنار سازمان‌ها و نهادهای رسمی، مردم نیز نقش بسزایی در تأمین منافع جامعه دارند. در ماده ۱ لایحه مجازات اجتماعی جایگزین زندان، به‌صراحت به مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجرای مجازات اجتماعی اشاره شده بود اما در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، این عبارت حذف شد لیکن با توجه به ذاتی بودن

مشارکت مردم در این نوع مجازات، این حذف نمی‌تواند در کاهش نقش مردم در اجرای این مجازات، تأثیری داشته باشد.

۲-۴- دوسویه و توافقی بودن

از مهم‌ترین خصیصه مجازات جایگزین حبس، دوسویه و توافقی بودن آن است، یعنی علاوه بر اراده مقام قضایی، اراده بزه‌کار نیز لازم است تا این جایگزین‌ها قابلیت اعمال داشته باشند (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲). توافقی و رضایی بودن جایگزین‌های حبس به صراحت در قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده است؛ بدین معنا که بزه‌کار می‌تواند پس از ارزیابی این پیشنهاد نسبت به قبول یا رد آن اظهارنظر نماید. طبق ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۳ این ماده و همچنین در مورد نظارت الکترونیکی نیز در ماده ۶۲، رضایت محکوم، شرط اعمال این مجازات دانسته شده است. در مورد سایر جایگزین‌ها (دوره مراقبت، جزای نقدی روزانه، جزای نقدی)، هرچند به صراحت در قانون نیامده است اما تا زمانی که بزه‌کار تمایلی بر انجام آن نداشته باشد، مسلماً اجرای آن ممکن نبوده و مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود.

۳-۴- قابل بازگشت بودن

یکی دیگر از ویژگی‌های جایگزین حبس، قابل بازگشت بودن آن است. این ویژگی در صورتی ممکن است که محکوم به تعهدات مقرر عمل ننماید. در این صورت، همان مجازات اولیه که حبس است، به اجرا درمی‌آید. درواقع، ضمانت عدم اجرای صحیح جایگزین‌های حبس، اعمال همان حبس مقرر در حکم است. طبق ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی، دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌نماید تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورات یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا گردد. در ضمن، مطابق ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی، چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورات دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌شود (صلاحی، ۱۳۹۵، ص ۳۴۱).

۴-۴- قابل تعلیق، تبدیل و تخفیف

از دیگر خصیصه‌های جایگزین‌ها این است که چنانچه به واسطه مانع خارجی، خارج از اراده محکوم یا به واسطه معذورتی مربوط به محکوم، امکان اجرای آن موقتاً ممکن نباشد، قابل تعلیق است. لذا، مطابق ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی: چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن، بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجرا می‌شود (علی‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۷۳). در ضمن، طبق تبصره ۴ ماده ۸۴ این قانون: قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذورت‌های خانوادگی و مانند آن‌ها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد نماید. همان‌طور که مشخص است، این ماده فقط در مورد یکی از جایگزین‌های حبس، یعنی انجام خدمات عمومی، موارد تعلیق و تبدیل آن را بیان نموده است. از همین رو، ماده ۸۰ قانون مجازات اسلامی، جهات تخفیف مجازات بعد از اجرایی شدن حکم را بیان نموده است. مطابق این ماده: چنانچه

رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد، دادگاه می‌تواند به پیشنهاد قاضی اجرای احکام، برای یک بار باقی مدت مجازات را تا نصف تقلیل دهد (صلاحی، ۱۳۹۵، ص ۳۴۱).

۴-۵- عدم طرد مجرم از اجتماع

در سال‌های اخیر، اکثر نظام‌های پاسخ‌گو به جرم تلاش دارند تا با اتخاذ تدابیر درمان‌مدار، زمینه اصلاح مجرمان و بازگشت آن‌ها به جامعه را فراهم سازند و تا حد امکان با فاصله گرفتن از حقوق تنبیهی از حذف و یا طرد بزه‌کار جلوگیری نمایند. در این راستا، سیاست اصلاح و درمان بزه‌کار در صدد است تا از مجرای حفظ و نگهداری مجرم در جامعه و تحت نگهداری قرار دادن او، سیاست حذف و طرد مجرم از جامعه را کنار بگذارد زیرا دستاوردهای آن، معقول‌تر، انسانی‌تر و کارآمدتر خواهد بود (خاکساری، ۱۳۹۸، ص ۱۸).

۵- پیامدهای مخرب ناشی از حبس

یکی از رایج‌ترین مجازات کیفری در تاریخ نظام‌های قضایی جهان، مجازات حبس بوده است (عبداللهی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۹). دفاع از جامعه در قبال مجرمین از دیرباز مدنظر دولت‌ها از جمله ایران بود، تا جایی که دولت‌ها می‌کوشیدند با اعمال مجازات شدید همچون حبس و شکنجه، در راستای مجازات مجرم و بازدارندگی از جرم گام بردارند (حاجی نصیری و سیمبر، ۱۳۹۶، ص ۱)؛ لیکن دیری نپایید که آمارها نشان داد، حبس کیفری چه با فلسفه ارباب و بازدارندگی و با فلسفه اصلاح و درمان با شکست مواجه شده و در کشورهایی با نظام کیفری حبس‌محور مانند ایران، نه تنها ارتکاب جرم کاهش نیافت بلکه آمار تکرار جرم توسط محکومین سابقه‌دار رقم بالایی را نشان داد (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵، ص ۵۳). بر اساس برآوردها، ۴۰۰ هزار زندانی در ایران وجود دارد که حداقل حدود ۸۰ درصد از این زندانیان در زمره زندانیان خطرناک قرار نمی‌گیرند. از طرف دیگر، درحالی که سرانه هر زندانی حداقل باید ۱۲ متر باشد، در کشور ما هر زندانی به‌طور متوسط یک تا یک و نیم متر فضا در اختیار دارد. همچنین، هزینه روزانه نگهداری هر زندانی از سوی مسئولان، رقمی بین ۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان عنوان می‌شود که با بودجه اختصاص یافته به زندان‌ها همخوانی ندارد (دهقان، ۱۴۰۰، ص ۱۳). فضا و شرایط زندان نه تنها به بازپروری شخصیت محکوم و بازگردان او به اجتماع کمکی نمی‌کند بلکه سبب هتک حرمت شدید و طبعاً آسیب‌های روحی و روانی بر زندانی و پذیرش خرده‌فرهنگ‌های موجود در زندان خواهد شد. این عوامل باعث می‌شود مجازات زندان نه تنها تأثیری بر اصلاح مجرم و جرم‌زدایی نداشته باشد بلکه اسباب جرم‌زایی و مجرم‌پروری را نیز فراهم آورد (بن سعید و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۷۸). مجازات حبس با وجود تبعات منفی برای افراد، جامعه و دولت، سهم بالایی در احکام صادره دادگاه‌ها داشته و درعین حال، تأثیر کمی بر جلوگیری از تکرار جرم می‌گذارد (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷، ص ۴۹). به علاوه، نقش تخریبی بر وضعیت محکومان و زندگی آتی آنان در جامعه ایفا می‌کند و رشته‌های حیاتی محکومان از جمله روابط شغلی، پیوندهای عاطفی و خانوادگی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زندان به لحاظ قیود و محدودیت‌هایی که به اقتضای ماهیتش برای محکوم ایجاد می‌کند، اقدامات اصلاحی را نیز تحت الشعاع قرار داده و با توجه به معایبی که دارد، نقش بازدارندگی آن کم می‌شود (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷، ص ۶۵). معایب گفته‌شده در کنار هزینه‌های هنگفتی که زندان و نگهداری زندانیان برای حکومت‌ها دارد، موجب شده است تا نظام‌های کیفری مختلف، روش‌های متنوعی را برای رفع این مشکلات پیش‌بینی کرده و جایگزین‌هایی را برای مجازات زندان و اصلاح مجرمان در نظر بگیرند تا ضمن رفع آسیب‌های زندان و کاهش هزینه‌های آن، بتوانند اصلاح و بازپروری مجرمان و

امکان بازگرداندن آن‌ها به جامعه را نیز فراهم کنند (محمدیان پهنوار، ۱۳۹۶، ص ۴۴). در این راستا، مجازات جایگزین حبس، بارزترین تلاش برای رفع این نقیصه است (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷، ص ۴۹). زندان، علاوه بر آثار سوء فراوانی که بر شخص زندانی دارد، آثار سوء فراوانی نیز بر خانواده وی تحمیل می‌کند که در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۵-۱- مشکلات اقتصادی

از آنجا که اغلب خانواده‌های زندانیان، سرپرست خود را ازدست داده و اغلب نیز از خانواده‌های محروم جامعه هستند، مهم‌ترین دغدغه آن‌ها، مسائل اقتصادی و معیشتی از جمله مسکن و مایحتاج اولیه زندگی است. علاوه بر آن، مسائل مربوط به بهداشت و درمان نیز بخش عمده‌ای از مشکلات این قبیل خانواده‌هاست. تأمین هزینه‌های تحصیل فرزندان نیز از مواردی است که نباید از نظر دور داشت.

۵-۲- مشکلات اجتماعی

شرمساری و کناره‌گیری از جمع، نگاه بدبینانه اطرافیان، محدود کردن و قطع رابطه اطرافیان با آن‌ها که زمینه را برای انزوای خانواده زندانی و درنهایت، طرد اجتماعی آن‌ها از جامعه و حتی برجسب‌زنی به آنان فراهم می‌کند، خود باعث بروز مشکلات روحی و روانی عدیده‌ای برای خانواده زندانیان خواهد بود.

۵-۳- مشکلات فرهنگی، اخلاقی و تربیتی

نخستین الگوهای عملی در راستای تربیت اجتماعی هر فرد، والدین هستند که می‌توانند بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری شخصیت آن فرد داشته باشند (عبداللهی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۴). بدون تردید، نقش نظارتی و مراقبتی والدین تأثیر بسزایی در فرایند تربیت اجتماعی فرزندان دارد (عبداللهی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۸) زیرا مهم‌ترین قانون تشکیل شاکله شخصیت اجتماعی انسان، محیط خانواده است (عبداللهی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۳). در صورت نبود حمایت‌های فرهنگی و الگوهای اخلاقی و عاطفی در خانواده، فرزندان این خانواده‌ها ناخواسته در معرض آسیب‌های متعدد از جمله ترک تحصیل و گرایش به رفتارهای پرخطر و بزه کارانه قرار خواهند گرفت. یافته‌های بعضی مطالعات نشان می‌دهد که سه تا شش برابر احتمال انجام رفتارهای خشونت‌آمیز و بزه کاری در فرزندان زندانیان نسبت به سایر فرزندان بیشتر است. ناهنجاری‌های اجتماعی و روانی، افزایش آمار طلاق در بین زندانیان و گاه‌آگاه‌گرایش اعضای خانواده زندانیان به مشاغل کاذب و تکدی‌گری نیز از دیگر مضرات حبس است.

نهاد خانواده، به مثابه بنیادی‌ترین واحد اجتماع، نقش بی‌بدیلی در سعادت فرد و اجتماع ایفا می‌کند (حائری‌زاده حریمی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۹)؛ بنابراین، ضرورت چاره‌اندیشی درباره نفوذ آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی به این نهاد بنیادین، بسیار حائز اهمیت است (حائری‌زاده حریمی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۰). لذا، انتظار می‌رود شهرداری‌ها به عنوان یکی از نهادهای پذیرنده موضوع آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی (کیفرهای جایگزین حبس)، با توجه به مسائل مطرح‌شده در خصوص آثار سوء زندان بر زندانی و پیامدهای منفی و تبعات تلخ آن بر خانواده زندانیان و عدم اشاعه بزه نزد اطرافیان و حفظ آبرو، حرمت و شخصیت بزه کار از به کارگیری محکومین در خدمات عمومی رایگان در شهرداری‌ها حمایت کرده و شرایط لازم را برای اجرایی شدن هرچه مطلوب‌تر آن فراهم کنند.

۶- چالش‌های قضایی و اجرایی خدمات عام‌المنفعه در سیاست جنایی ایران

هرچند تلاش فلاسفه و حقوق‌دانان غربی در طول قرن‌های هفدهم و هجدهم در زمینه جلوگیری از اعمال مجازات خشن و شدید، موجب پذیرش زندان به‌عنوان مجازاتی اصلی در اوایل قرن نوزدهم شد اما دیری نپایید که استفاده بی‌رویه از زندان با توجه به ناکارآمد بودن مجازات حبس در اصلاح و بازپروری زندانیان و همچنین به دلیل جرم‌زا بودن محیط زندان، هزینه اقتصادی زندان، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و غیره باعث بروز انتقادهای شدیدی نسبت به این مجازات شد به‌طوری‌که حتی موافقان آن را دچار تردید کرد و درنهایت، به واکنش واداشت. یکی از مهم‌ترین واکنش‌هایی که نسبت به این اعتراضات صورت گرفت، پیشنهاد استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس و اجتناب از حبس مگر به‌عنوان آخرین حربه بوده است (والهی و احسان‌پور، ۱۳۹۵، ص ۲۴۷). مجازات جایگزین حبس، مجازات اجتماعی هستند که به عناوینی نظیر مجازات جامعه‌مدار مرسوم گشته‌اند و دربرگیرنده شماری از تدابیری هستند که از سوی نظام‌های عدالت کیفری و از رهگذر قانون اتخاذ و در بطن جامعه و با مشارکت مردم از سوی فرد محکوم به اجرا درمی‌آید. نوع و میزان شدت این کیفرها با توجه به جرم ارتكابی، شخصیت و پیشینه کیفری بزه‌کار، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت بزه‌دیده و آثار ناشی از آن و سایر اوضاع و احوال و جهات مخففه از سوی قاضی رسیدگی‌کننده تعیین می‌گردد (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۸۹)؛ بنابراین، هدف از حکم به انجام خدمات عمومی رایگان، فراهم کردن یک مجازات اجتماعی سودمند است که می‌تواند باعث افزایش احتمال اصلاح مرتکب، کاهش احتمال تکرار جرم، تنبیه مجرم از طریق انجام کار رایگان، جبران خسارت از طریق منتفع کردن جامعه و متعاقباً کاهش جمعیت کیفری زندان و کاهش هزینه‌های آن شود (والهی و احسان‌پور، ۱۳۹۵، ص ۲۶۸). مجازات خدمات عمومی رایگان به‌عنوان یکی از جایگزین‌های حبس به دلیل لزوم همکاری توأمان دستگاه قضا، نهادهای پذیرنده و خود مجرم در فرایند اجرای این حکم از بارزترین مصادیق مجازات اجتماع‌محور است (متین پارسا و مؤذن‌زادگان، ۱۴۰۱، ص ۲۷۹). یکی از شرایط لازم به‌منظور اجرای کارآمد مجازات جایگزین حبس، فراهم کردن بستر فرهنگی، آموزشی و اجرایی آن است چراکه فراهم نبودن این بستر، منجر به عدم وجود ذهنیت مناسب و عدم پذیرش محکومان و یا عدم همکاری مناسب نهادهای عمومی و مؤسسات، اعم از دولتی و یا خصوصی خواهد شد. عدم پذیرش و یا عدم همکاری مناسب نهادهای عمومی از خدمات عمومی رایگان محکومان به فقدان آگاهی لازم مدیران و مقامات نهادهای مجری حکم از معایب اجرای مجازات حبس و به عدم آگاهی از اهداف و کارکردهای مثبت مجازات جایگزین حبس برمی‌گردد (فیروزیان حاجی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۶۴). نهادینه نشدن فرهنگ استفاده از مجازات جایگزین حبس، در دستگاه قضایی، ضعف فرهنگ‌سازی در جامعه، تمایل توده‌های مردم به کیفرهای خشن و تأثیرپذیری قضات از همین عامل عوام‌گرایی، عدم اطمینان قضات به نتایج مثبت مجازات جایگزین حبس، فقدان سرمایه‌گذاری برای وارد کردن و یا ساخت تجهیزات و فناوری‌های موردنیاز جایگزین‌های حبس و عدم جذب نیروی انسانی متخصص و ناظران مجرب در امر نظارت بر اجرای مجازات موردنظر، به جهت مشکلات مالی دستگاه قضا، کمبود شغل برای محکومین به انجام خدمات رایگان و اعمال سیاست سخت‌گیرانه، عمده‌ترین چالش‌ها و موانع اجرای مجازات خدمات عام‌المنفعه به‌جای مجازات حبس است. راهکارهای فرهنگی از جمله آموزش قضات، دوری از سیاست کیفری عوام‌گرا و رفع چالش‌های اقتصادی و سیاسی می‌تواند راهگشای کاهش جمعیت افراد در حبس و صدور آراء جایگزین حبس باشد (فرح‌بخش و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۴۴). همچنین، به‌روز شدن اطلاعات حوزه آسیب‌های اجتماعی و آموزه‌های نوین جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی، حق بر مجازات نشدن، پیشگیری و درمان مجرمان و غیره) برای قضات و وکلا و آگاه‌سازی آنان از نتایج سوء کیفر حبس و نیز بسترسازی فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی برای اجرای این مجازات نباید نادیده گرفته شود (خاکساری و غلامی، ۱۳۹۸، ص ۳۷). تجزیه و تحلیل آراء صادره

بیانگر این امر است که قضات از بین انواع جایگزین‌های حبس تمایل بیشتری به اعمال کیفر جزای نقدی دارند. به نظر شایسته است که دیدگاه‌های قضایی به سمت مجازات جایگزین نوین از جمله دوره مراقبت، خدمات عام‌المنفعه، جزای نقدی روزانه، نظام نیمه‌آزادی و تعویق صدور حکم بیشتر جلب شود (خاکساری و غلامی، ۱۳۹۸، ص ۳۷). فراوانی پرونده‌های کیفری، پایداری فرهنگ حبس‌محور در بین قضات از یک سو و فقدان زیرساخت‌های مناسب، عدم آمادگی نهادهای پذیرنده و فرهنگ عمومی حبس‌پذیر جامعه از سوی دیگر، به ترتیب از مهم‌ترین چالش‌های قضایی و اجرایی در این زمینه به شمار می‌روند (رسولی امیرحاجلو و ابراهیمی فروغی، ۱۴۰۱، ص ۲۱۹).

۷- رویکرد عدالت ترمیمی

به گفته تونی مارشال، عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن، کلیه کسانی که سهمی در خصوص یک جرم خاص دارند، گرد هم می‌آیند تا به‌طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته و راه‌حلی بیابند (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۹). جرم از منظر این جنبش، تعدی و تعرض به روابط و حقوق انسان‌های دیگر، به‌خصوص بزه‌دیده است و در مرحله بعد، تجاوز و تعدی به قوانین دولت قرار دارد (رایت، ۱۳۸۴، ص ۲۲). از طرف دیگر، این دیدگاه معتقد است حل و فصل اختلاف‌های ناشی از ارتکاب بزه و آشتی بین طرف‌های ذینفع نیز نه به‌وسیله قدرت حاکم و دولت بلکه باید به‌وسیله جامعه محلی و با حضور فعال بزه‌دیده و بزه‌کار در چارچوب میانجی‌گری، مذاکره، مصالحه، نشست و غیره که سازوکارهای مختلف عدالت ترمیمی محسوب می‌شوند، صورت پذیرد (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴). احترام به کرامت انسانی، سعی در دادرسی عادلانه، جرم‌زدایی و بالا بردن توان و ظرفیت فرهنگی جامعه در پذیرش شخص بزه‌کار، اهدافی هستند که مکتب عدالت ترمیمی به دنبال آن است. علی‌ای حال، جرم‌زدایی تخصصی و زندان‌زدایی می‌تواند گام مؤثری جهت نیل به اهداف عدالت ترمیمی و بازگشت افراد به جامعه باشد و همچنین با جایگزین‌های مناسب برای مجازات زندان، بزه‌کار را از تبعات منفی زندان در امان نگه داشت (محمودی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۲). تأثیر متقابل شهروندان در فرآیند عدالت ترمیمی و تحقق آرمان‌های آن است که با مشارکت سایر شهروندان در فصل خصومت و ترمیم خسارات ناشی از جرم توسط بزه‌کار و پاسخگو نمودن او در قبال بزه و بزه‌دیده و جامعه محقق می‌گردد. این امر به‌روشنی بر تأثیر شهروندان در فرآیند عدالت کیفری دلالت دارد (ره‌دارپور و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۲). لذا، در عدالت ترمیمی، جرم اختلافی میان بزه‌کار و بزه‌دیده بوده و رفتاری علیه ارزش‌های جامعه محلی است. جرم و ایراد خسارت و ضرر به بزه‌دیده و جامعه محلی، سه رکن این عدالت در مفهوم جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸۰). عدالت ترمیمی، رهیافت جدیدی در احیای حقوق بزه‌دیده و اصلاح بزه‌کار بوده (سنگانه و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۷۷) و هدف آن، مقابله با پیامدهای جرم از طریق اصلاح و بازسازی روابط بین سه طرف اصلی، یعنی بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه است. تحلیل رابطه تئوری عدالت ترمیمی و اصول بازپروری مجرم، اشتراکات و تفاوت‌هایی را بین این دو سیستم نشان می‌دهد. با وجود اینکه ادعا می‌شود عدالت ترمیمی، امری بزه‌کارمحور است و بر بهبود اوضاع بزه‌کاران تمرکز دارد ولی مطالعات، حاکی از تأثیر عدالت ترمیمی بر بهزیستی بزه‌کاران و کاهش ارتکاب جرم در آن‌ها است (اسماعیلی، ۱۳۹۸، ص ۲۱). اجرای مطلوب عدالت ترمیمی می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از تکرار جرم و افزایش امنیت اجتماعی داشته باشد. کارایی تدابیر پیش‌بینی‌شده عدالت ترمیمی نیازمند زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی است (سنگانه و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۷۷). عدالت ترمیمی در راستای رسیدن به اهداف خویش از رویه‌های مشارکتی بسیار متنوعی از قبیل میانجی‌گری، گفتگو، نشست‌های گروهی، برگزاری محافل و حلقه‌های اصلاح و درمان و سازش استفاده می‌نماید (فرکم، ۱۳۸۴، ص ۷۸). هدف واکنش ترمیمی به جرم، نه مجازات مجرم بلکه جبران زیان ناشی از آن است

(میرنقی‌زاده و صفری، ۱۳۹۶، ص ۲۰۵). برنامه‌های عدالت ترمیمی با نشست‌های گروهی و مشارکتی توسط بزه‌دیده و جامعه محلی، ضمن جبران خسارت و التیام بزه‌دیده، منجر به تقویت اقدامات پیشگیرانه محلی و افزایش وحدت و هماهنگی در جامعه می‌شود و از این رهگذر، امنیت فردی و اجتماعی بزه‌دیده و افراد جامعه تأمین می‌گردد (سنگانه و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۷۷). پابندی افراد به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مورد پذیرش در هر جامعه، یکی از عوامل اساسی در تضمین امنیت اجتماعی محسوب می‌گردد (سام آرام و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۸۷).

۸- جایگاه عدالت ترمیمی در حقوق شهری

ظهور مفهوم عدالت ترمیمی، حاصل تحول در نگرش‌ها و دیدگاه‌های عمومی حقوقدانان کیفری، جرم‌شناسان و مجریان نظام کیفری نسبت به عدالت کیفری مبتنی بر جزا و سرکوب و عدالت کیفری مبتنی بر اصلاح و تربیت است که در پیوند با مفاهیم انسانی و فرهنگ و ارزش‌های جامعه مدنی، عدالت کیفری خلاق و پویایی را معرفی می‌کند. عدالت ترمیمی، تعریف نوینی از مفاهیم سنتی و کلاسیک حقوق جزا و کارکرد نهادهای حقوق کیفری را ارائه داده و در عمل نیز اثرات قابل ملاحظه‌ای بر سرنوشت اصحاب دعوی کیفری، جامعه مدنی و نهادهای نظام عدالت کیفری بر جای می‌گذارد. عدالت ترمیمی، ابتدا جرم را تعرض به افراد و مناسبات انسانی تلقی نموده و در مرحله بعد، آن را نقض قانون جزا می‌داند و با در نظر گرفتن منافع اساسی بزه‌کار و نهادهای جامعه مدنی، بزه‌دیده و نیازهای اساسی او را در تمام مراحل دادرسی کیفری، در محور توجهات قرار می‌دهد و کارکردها، اهداف و سازوکارهای جدیدی را در رابطه با اعمال دادرسی کیفری و نظام عدالت کیفری معرفی می‌کند. در سال‌های اخیر، تلاش‌های جامعه بین‌المللی در راستای ایجاد استانداردهای واحد در مورد برنامه‌های عدالت ترمیمی و برنامه‌های میانجی‌گری بسیار قابل توجه بوده است که از آن جمله می‌توان توصیه‌نامه شورای اروپا در رابطه با میانجی‌گری و قطعنامه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد مصوب ژوئیه ۲۰۰۲ را نام برد (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۳۹). همچنین، مکتب عدالت ترمیمی شامل اصول و راهکارهایی است که نقطه عطفی در زمینه حفظ حقوق شهروندی و تضمین آن نسبت به مکاتب کیفری پیش از خود محسوب می‌شود به گونه‌ای که با بررسی اصول و اهداف و روش‌های آن می‌توان حفظ حقوق شهروندی را دغدغه این مکتب دانست. عدالت ترمیمی از یک سو مکتبی بزه‌دیده‌مدار بوده که سبب شده است تا برخلاف سایر مکاتب، حقوق بزه‌دیده را به‌عنوان شهروندی فراموش شده در فرایند کیفری، تأمین نماید. از سوی دیگر، این مکتب به بزه‌کار نیز از زاویه‌ای و رای آن چیزی می‌نگرد که تاکنون نگرسته‌اند و تمرکز آن، نه فقط بر چگونگی مجازات او بلکه به پاسخ‌گو نمودن وی در قبال بزه‌دیده و سایر شهروندان است. مضافاً، تحقق این اهداف در گرو مشارکت جمعی تمامی شهروندان درگیر در جرم است زیرا فرض بر این است که حقوق شهروندی تضییع شده و بایستی اعاده شود. نهایتاً نکته جالب توجه اینکه علاوه بر تأثیری که عدالت ترمیمی بر حفظ حقوق شهروندان می‌گذارد، در مقابل همکاری تمام شهروندان نیز دارای نقشی اساسی در تحقق اهداف مکتب مذکور خواهد بود (ره‌دارپور و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱).

۹- شهرداری

شهرداری طبق قانون فهرست نهادهای عمومی غیردولتی مصوب سال ۱۳۷۳، نهاد عمومی غیردولتی محسوب می‌شود که به‌عنوان رکن اجرایی مقررات و قوانین نهادهای مقنن در خصوص اداره شهرها، نقش عمده‌ای را در مدیریت شهری ایفا می‌کند. بر اساس ماده ۳ قانون شهرداری، این نهاد شخصیتی حقوقی دارد و در هر محل که جمعیت آن حداقل به ۵۰۰۰ نفر برسد و شهر تلقی شود، تأسیس می‌گردد. شهرداری، مهم‌ترین نهاد اجرایی در مدیریت سطح شهر

به شمار می‌رود که اداره امور شهر را بر عهده دارد و این کار را با هماهنگی شورای شهر به‌عنوان نهاد قانون‌گذار در عرصه مدیریت شهری و با نظارت وزارت کشور انجام می‌دهد. مهم‌ترین و اثرگذارترین نهاد دولتی در مدیریت شهری و شهرداری‌های ایران، وزارت کشور است که وظیفه نظارت بر شهرداری‌ها، شوراهای شهر و تعیین نیازمندی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه‌ای و محلی را بر عهده دارد (سالک رازی، ۱۴۰۰، ص ۷۹).

۹-۱- وظایف شهرداری‌ها

شهرداری‌ها از ظرفیت قانونی گسترده‌ای در راستای رعایت و توسعه حقوق شهروندی برخوردار هستند. در این خصوص، قانون‌گذار در قانون شهرداری ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی) و برخی از مقررات دیگر به تعیین وظایف نهاد مذکور به شرحی پرداخته است که بسیاری از وظایف تصریح شده به‌عنوان مصداق‌هایی از حقوق شهروندی شناخته می‌شوند. بدین ترتیب، شهرداری‌ها موظف هستند طیف متنوعی از حقوق شهروندی را در ابعاد حقوق بهداشتی و سلامتی، حقوق اقتصادی و رفاهی، حقوق فرهنگی، حقوق عدالت و امنیت و حقوق شفافیت اسنادی و دسترسی آزادانه به اطلاعات رعایت کنند (رمضانی، ۱۳۹۹، ص ۴۸). یکی از راه‌های بسیار مؤثر برای حل مسائل و مشکلات بی‌شمار اجتماعی، فرهنگی و زیستی که کشورها در دوران معاصر با آن‌ها مواجه هستند، گسترش آموزش شهروندی در نهادهای دولتی و غیردولتی و در قالب رویکردهای آموزش رسمی و غیررسمی است. مشکلات مختلفی که جوامع به علت عدم احساس تعلق شهروندان به اجتماع و یا فقدان آموزش مطلوب حقوق و مسئولیت‌های شهروندی با آن‌ها روبه‌رو هستند، ضرورت سیاست‌گذاری‌های کلان در نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی در زمینه آموزش حقوق شهروندی را دوچندان می‌کند (سالک رازی، ۱۴۰۰، ص ۸۵). شهرداری بدون سیاست‌گذاری کلان در جلب مشارکت فعال شهروندان جهت پیشبرد امور و حل مشکلات فرهنگی، اجتماعی و زیستی، هرگز موفق نخواهد بود زیرا بدون آموزش شهروندی و آشناسازی شهروندان با حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایشان، زمینه و بستر مناسبی برای توسعه فرهنگی و برقراری نظم و امنیت در جامعه فراهم نخواهد شد (سالک رازی، ۱۴۰۰، ص ۸۶).

وظایف شهرداری‌ها را می‌توان به ۵ گروه ذیل تقسیم‌بندی نمود (در ماده ۵۵ قانون شهرداری، وظایف شهرداری‌ها به‌طور کامل تصریح شده است):

۱) وظایف عمرانی

همچون اعلام نظر در خصوص نقشه‌های تفکیکی، طرح‌های جامع و هادی شهری، الزام به رعایت مقررات ملی ساختمان، احداث خیابان‌ها، معابر و میادین و الزام به پذیرش نقشه ساختمانی از اعضای سازمان نظام مهندسی.

۲) وظایف خدماتی

تعیین محل‌های مخصوص تخلیه زباله (مخزن زباله)، نخاله و یا فضولات ساختمانی، احداث آرامستان (قبرستان)، ایجاد تأسیسات عمومی، نظافت و نگهداری و تسطیح معابر و مجاری آب، پیشگیری از حوادث آلودگی محیط‌زیست، نگهداری و تعمیر تونل‌های شهری.

۳) وظایف نظارتی و حفاظتی

نظارت بر کلیه ساختمان‌ها و سازه‌هایی که در شهر احداث می‌شوند، جلوگیری از بروز تخلفات ساختمانی، حفظ اموال و دارایی شهر، اجرای آراء کمیسیون ماده ۱۰۰، صدور پروانه ساختمان، اقامه دعوا علیه اشخاص و دفاع از دعاوی اشخاص علیه شهرداری و حفظ فضای سبز.

۴) وظایف رفاهی

احداث بناها و ساختمان‌های مورد نیاز شهر از قبیل سرویس‌های بهداشتی، کشتارگاه، بوستان‌ها، پارک‌ها و انواع فضاهای سبز شهری، جلوگیری از سد معابر عمومی.

۵) مدیریت منابع

مدیریت منابعی همچون عوارض ساختمان، بودجه شهرداری، ترتیب ممیزی و وصول آن، عوارض شهرداری و همچنین، کمک به بهره‌وری خدمات شهری و شهرداری‌ها.

۱۰- نقش حقوق در امنیت شهری

حقوق شهری، مجموعه قوانین، قواعد و مقرراتی است که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی‌مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌نماید (کامیار، ۱۳۸۷، ص ۲۱). حقوق شهروندی به مجموعه حقوق بنیادین متعلق به تابعان جامعه قلمداد می‌گردد که تنها به مناسبت عضویت در یک جامعه، فارغ از عواملی چون رنگ، نژاد، جنسیت و مذهب به همه شهروندان در یک جامعه تسری پیدا می‌کند (رمضانی، ۱۳۹۹، ص ۴۰). از این رو، از دید شهری، موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول، اهداف، وظایف و روش انجام آن است. در واقع، حقوق شهروندی آمیخته است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین، حقوق و امتیازاتی که وظیفه آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت و یا به‌طور کلی قوای حاکم است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱). حقوق شهری به‌عنوان یک پدیده اجتماعی شهری از جامعه سرچشمه می‌گیرد و منشأ قواعد حقوقی آن، ضرورت‌های اجتماعی زندگی شهری است که نظام مدیریت شهری یا شهرداری‌ها و شهروندان در دو سوی آن قرار می‌گیرند و تکالیف و وظایف قانونی خاصی را در برابر یکدیگر بر عهده دارند (سالک رازی، ۱۴۰۰، ص ۹۰)؛ بنابراین، مدیریت شهری می‌تواند با آموزش حقوق شهروندی و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش، اتخاذ رویکرد شهروندمداری و ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری در قبال شهروندان، کارایی و اثربخشی، شفافیت و پاسخگویی در جهت ارتقاء حقوق شهروندان نقش آفرینی کند (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰) زیرا آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی مبنای اجرای عدالت اجتماعی است و فقط در صورت آگاهی مردم از حقوقشان می‌توان به ایجاد و تثبیت امنیت و رفاه اجتماعی پایدار و مستمر امیدوار بود (کمالی، ۱۴۰۲، ص ۲). در واقع، رابطه دوطرفه شهرداری و شهروندان می‌تواند به توسعه و ارتقاء کارایی خدمات شهری و حفظ حقوق طرفین منجر شود (سالک رازی، ۱۴۰۰، ص ۷۸). حق بر امنیت جامعه نیز بنیادی‌ترین حق بشری است چراکه استیفای هر یک از حقوق بشری بدان بستگی دارد که آدمیان امنیت داشته باشند؛ بنابراین، تمامی افراد جامعه نیز به اقتضای ذات بشری خود بی‌تردید مشمول بهره‌مندی از حق بر امنیت جامعه قرار می‌گیرند (تیموری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۹). در رابطه با تأمین امنیت شهروندان، شهرداری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این خصوص، ترمیم بافت فرسوده شهری به‌منظور مبارزه با بزه‌کاری و تأمین امنیت شهروندان قابل اشاره است. امروزه، بافت‌های فرسوده شهری به کانون‌های جرم‌خیز و ایجادکننده ناامنی تبدیل شده‌اند زیرا بافت‌های فرسوده به خاطر شرایط کالبدی و همچنین، فقدان دسترسی به وسایل و امکانات شهری دچار نارسایی و محرومیت بوده و همین عوامل، این قسمت از مناطق شهری را به‌عنوان بسترهای مناسبی جهت ارتکاب اشکال مختلف بزه‌کاری، به‌ویژه خرید، فروش و استعمال مواد مخدر تبدیل نموده است. در ضمن، کمبود مناطق تفریحی و سرگرمی در چنین مناطقی می‌تواند به‌عنوان عاملی بالقوه جهت جذب نوجوانان و جوانان به سازمان‌های بزه‌کارانه عمل کند. با این اوصاف، چنانچه

شهرداری‌ها به وظیفه خود دایر بر احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری عمل کنند، فرصت‌های بزه کارانه را به طور قابل توجهی کاهش داده و به رعایت حق امنیت شهروندان نیز عمل نموده‌اند. به علاوه، روشنایی معابر و تأسیس اماکن آموزشی، فرهنگی و تفریحی که به موجب بندهای ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها به سال ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی) در زمره وظایف شهرداری‌ها به شمار می‌آیند، به عنوان عوامل پیشگیرانه در قبال بزه کاری قلمداد می‌گردند که از کارکرد ایجاد امنیت برای شهروندان نیز برخوردار هستند. به طور مثال، روشنایی معابر در زمره یکی از عوامل پیشگیرانه وضعی به شمار می‌آید که فرصت ارتکاب برخی از جرائم مثل سرقت را کاهش می‌دهد. در پایان این بحث باید خاطر نشان نمود، شهرداری‌ها از نقش برجسته‌ای در راستای حفظ امنیت شهروندان از طریق مقابله با بزه کاری برخوردار هستند. در این رابطه، چنانچه شهرداری‌ها به تکالیف مصرح قانونی خود به نحو احسن عمل کنند، حفظ و ارتقاء امنیت شهروندان به نحو مطلوبی محقق خواهد شد (رمضانی، ۱۳۹۹، ص ۴۶).

بحث و نتیجه‌گیری

استفاده از حبس به عنوان یک ضمانت اجرای مهم در برخورد با بزه کاری در سیاست کیفری کشورهای مختلف با موفقیت چندانی همراه نبوده و به همین جهت، سیاست جنایی سازمان ملل متحد و نظام‌های حقوقی پیشرفته معاصر با بهره‌گیری از دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری بر این اساس استوار است که استفاده از زندان به عنوان آخرین حربه برای مقابله با مجرمین خطرناک و توسل به مجازات اجتماعی جایگزین در سطح گسترده، در راستای اصلاح و بازپروری مجرمین در سطح جامعه و جلوگیری از برخورد و معاشرت و کسب تجارب مجرمین اتفاقی از مجرمین خطرناک و به عادت که این امر خود نه تنها امنیت جامعه را تضمین می‌نماید بلکه ضمن رعایت الزامات ناظر بر حقوق بشر و کرامت انسانی، هزینه‌های عدالت کیفری را به گونه‌ای چشمگیری کاهش می‌دهد و زمینه اصلاح و بازپروری مجرمین را به شیوه مطلوب تری فراهم می‌نماید. حکم به جایگزین‌های حبس توسط قاضی، در مواردی، اختیاری و در مواردی دیگر نیز الزامی است. در مواردی که اعمال مجازات جایگزین به حکم قانون الزامی است، دادگاه می‌بایست بدون هیچ گونه پیش شرطی اقدام به تعیین مجازات جایگزین حبس نماید لیکن در مواردی که اعمال این نوع مجازات اختیاری است، دادگاه باید طبق موارد مذکور در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی، بدین شرح عمل نماید: ۱- گذشت شاکی خصوصی، ۲- احراز جهات تخفیف، با ملاحظه، ۱- نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن (شرایط مربوط به بزه)، ۲- ملاحظه آثار ناشی از جرم (شرایط مربوط به بزه)، ۳- ملاحظه سن، مهارت، شخصیت و سابقه جرم (شرایط مربوط به بزه کار) و ۴- ملاحظه وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال. این مهم مبنی بر حفظ حقوق بزه دیده و به نوعی مشارکت جامعه مدنی و اجرای عدالت ترمیمی در راستای اعمال جایگزین‌های حبس بوده است. عدالت ترمیمی، جرم را نه فقط نقض قانون که بیشتر تعدی به حقوق افراد و جامعه می‌داند. به همین جهت، توجه بیشتر خود را به بزه دیده و جبران انواع خسارت‌های وارد بر او معطوف کرده است. توجه عدالت ترمیمی بر احیای رابطه بزه دیده، بزه کار و جامعه محلی با حفظ احترام و حمایت از آن‌ها بوده که این اقدامات در استقرار امنیت اجتماعی و حفظ حقوق شهری تأثیرگذار خواهد بود. حفظ حقوق شهروندان، دغدغه اصلی این مکتب است. بسیاری از برنامه‌های عدالت ترمیمی بر نقش اجتماع در پاسخ به جرم و پیشگیری از آن تأکید دارند. تحقق این اهداف در گرو مشارکت جمعی تمامی شهروندان در گیر در جرم خواهد بود. شهرداری، مهم‌ترین نهاد اجرایی در مدیریت سطح شهر بوده که اداره امور شهر را بر عهده دارد. شهرداری بدون سیاست گذاری کلان در جلب مشارکت فعال شهروندان در جهت پیشبرد امور و حل مشکلات زیستی، فرهنگی و اجتماعی، هرگز موفق نخواهد بود. رابطه دوسویه شهروندان با نظام مدیریت شهری یا شهرداری‌ها در رعایت حقوق شهری می‌تواند به توسعه و ارتقاء عملکرد شهرداری‌ها در ارائه

خدمات شهری و حفظ حقوق طرفین منجر شود و زمینه و بستر مناسبی را برای توسعه فرهنگی و برقراری نظم و امنیت در سطح جامعه فراهم سازد. لذا، بر اساس بند ب ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی (کیفرهای جایگزین حبس)، شهرداری نیز یکی از نهادهای پذیرنده موضوع این آیین‌نامه به شمار می‌رود که با توجه به مشکلات مطرح‌شده در خصوص آثار سوء زندان بر زندانی و خانواده وی و در نتیجه اجتماع، انتظار می‌رود این نهاد، نقش مؤثری را در کمک به کاهش آسیب‌های اجتماعی با استفاده از ظرفیت‌های موجود ایفا نماید. بدین ترتیب، یافته‌ها و نتایج پژوهش حاکی از این است که شهرداری‌ها به‌عنوان یکی از نهادهای پذیرنده (مقرر در قانون) از خدمات عام‌المنفعه (خدمات عمومی رایگان)، می‌توانند با استقبال از خدمات رایگان محکومین در شهرداری‌ها نقش بسزایی را در راهبرد اهداف خدمات عام‌المنفعه در جهت اصلاح و بازپروری مجرم و عدم طرد وی از جامعه داشته باشند. کار عام‌المنفعه (خدمات عمومی رایگان، یکی از موارد کیفرهای جایگزین حبس)، جایگزینی است که مستلزم همکاری و مشارکت جامعه، کارفرمایان و مؤسسات دولتی و غیردولتی، به جهت پیشبرد هرچه مطلوب‌تر اهداف این جایگزین، با همراهی دستگاه قضایی است. از آنجاکه اجرایی کردن خدمات اجتماع‌محور نیازمند مشارکت و همکاری مردم و نهادهای اجتماعی است، فراهم نمودن بستر فرهنگی، آموزشی و اجرایی را باید مهم‌ترین شرط لازم برای تضمین موفقیت برنامه‌های اجتماع‌محور تلقی نمود چراکه فراهم نبودن این بستر موجب عدم همکاری و حمایت مردم و نهادهای پذیرنده از به‌کارگیری محکومین به خدمات عمومی رایگان به دلیل عدم آگاهی از اهداف و کارکردهای مثبت مجازات جایگزین حبس خواهد بود. هدف از خدمات عام‌المنفعه، تحقق عدالت ترمیمی، بازپروری مجرم و بازاجتماعی کردن وی در سطح جامعه است.

پیشنهادهای

با توجه به مباحث مطرح‌شده، پیشنهادهایی به‌منظور رعایت بهتر حقوق شهری برای مقنن و متولیان امر در پرتو گسترش مجازات اجتماعی محور ارائه می‌گردد:

۱. استقبال و حمایت بیشتر شهرداری‌ها به‌عنوان یکی از نهادهای پذیرنده مهم کشور از خدمات عمومی رایگان (خدمات عام‌المنفعه) با هدف اصلاح و تربیت بزه‌کار و قطع نشدن ارتباط وی با جامعه و افزایش حس مسئولیت‌پذیری و تعهد مجرم به جامعه و جلوگیری از پیامدهای منفی حبس.
۲. استفاده از رسانه‌های گروهی فعال به‌ویژه صداوسیما به‌منظور تأثیرگذاری بیشتر در جامعه و ساخت فیلم با مضمون کیفرهای جایگزین در جهت اطلاع‌رسانی از شرایط اعمال جایگزین‌های حبس در قانون مجازات اسلامی.
۳. استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در تغییر نگرش‌های منفی افراد جامعه نسبت به اجرای خدمات عمومی رایگان (خدمات عام‌المنفعه) در مراکز و اماکن عمومی، به دلیل عدم اعتماد مردم نسبت به مجرمین محکوم به این نوع جایگزین.

منابع

- آشوری، محمد. (۱۳۸۲). *جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین* (چاپ اول). تهران: انتشارات گرایش.
- احمدی ندوشن، بهزاد. (۱۳۸۶). مفاهیم و شیوه‌های اجرای عدالت ترمیمی در لایحه مجازات اجتماعی جایگزین زندان. *فصل‌نامه حقوقی گواه*، (۱۱)، ۳۷-۳۹.
- اسماعیلی، مهدی. (۱۳۹۸). بازپروری بزه‌کاران و تجارب بزه‌دیدگان از عدالت ترمیمی. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، (۸۶)، ۲۴-۲۱.

- بن‌سعید، رحمان، حیدری، مسعود، و مالیر، محمود. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل کیفرشناسی مجازات جایگزین حبس. فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳(۴۸)، ۲۷۷-۲۹۸.
- بیاتی، پروانه، پولادی، اسماعیل، فتاح‌پور، ابراهیم، و پوزش، مهران. (۱۳۹۹). واکاوی نقش پلیس ترمیمی در پیشگیری از تکرار جرم. فصلنامه علمی پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، ۱(۱)، ۲۷-۴۹.
- پرچمی، داود، و درخشان، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی مجازات اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم. مجله مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۰(۴۰)، ۴۹-۶۸.
- تیموری، مهرداد، بیگی، جمال، و احدی، فاطمه. (۱۴۰۲). تعارض حق بر امنیت جامعه با حق بر سلامت زندانیان و تأثیر آن بر مدیریت بحران کرونا. نشریه علمی مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، ۱۵، ۱۱-۳۵.
- حاجی تبار فیروزجائی، حسن. (۱۳۸۷). جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده). مجله حقوقی دادگستری، ۱(۶۴)، ۶۷-۸۸.
- حاجی نصیری، مهسا، و سیمبر، رضا. (۱۳۹۶). تبیین مجازات جایگزین حبس در حقوق ایران و انگلیس. پنجمین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، مؤسسه آموزشی مدیران خبره نارون شیراز.
- حاجی تبار فیروزجائی، حسن، و صفاری، علی. (۱۳۸۶). جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران (چاپ اول). تهران: انتشارات فردوسی.
- حائری‌زاده حریمی، محمدرضا، جوان جعفری، عبدالرضا، و ناصری مقدم، حسین. (۱۳۹۶). بررسی فقهی و حقوقی امکان‌سنجی القاء مجازات حبس در جرائم علیه کیان خانواده. جستارهای فقهی و اصولی، ۵(۵)، ۶۹-۸۹.
- حیبی، اصغر، فرح‌بخش، مجتبی، و متین راسخ، مجید. (۱۳۹۸). چالش‌ها و راهکارهای رویکرد جنسیت‌محور در مجازات جایگزین حبس در نظام کیفری ایران. فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۳) (پیاپی ۱۱)، ۴۰۶-۳۸۸.
- خاکسار، داود، غلامی، حسین، و زادگان، مؤذن. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی تقنینی و قضایی مجازات جایگزین حبس. کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، دوره برگزاری: ۳، مؤسسه آموزش عالی علامه خویی شیراز.
- خاکساری، داوود، و غلامی، حسین. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر صدور مجازات جایگزین حبس. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲۶(۲)، ۴۰-۹.
- خلیلی کالی، قاسم، و محرابی کالی، افشین. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی مجازات جایگزین حبس در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه. مجله علمی علوم اسلامی/انسانی، ۵(۱۸)، ۶۷-۷۷.
- دهقان، علی محمد. (۱۴۰۰). مروری بر مجازات جایگزین حبس با تأکید بر خدمات عام‌المنفعه. فصلنامه علمی حقوق و مطالعات نوین، ۲(۳) (پیاپی ۴)، ۱-۱۶.
- رایت، مارتین. (۱۳۸۴). رویکرد بین‌المللی: عدالت ترمیمی چیست؟ مجموعه مقالات عدالت ترمیمی، ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ اول: انتشارات خلیلیان، ۱۳-۲۶.
- رایت، مارتین. (۱۳۸۴). عدالت ترمیمی، ارتقاء بخشیدن رویکرد بزه‌دیده محوری (مجموعه مقالات) (ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ اول). تهران: نشر خلیلیان.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل، آقایی، مهدی، و قلی‌پور، غلامرضا. (۱۳۹۴). نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۳(۱۱)، ۸۵-۱۱۲.
- رسولی امیر حاجلو، اسحاق، ابراهیمی، شهرام، و فروغی، فضل‌الله. (۱۴۰۱). چالش‌های قضایی و اجرایی زندان‌زدایی در سیاست جنایی ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۸۶(۱۱۹)، ۲۱۹-۲۴۴.
- رمضانی، محمد. (۱۳۹۹). ظرفیت شهرداری‌ها در توسعه اجرای حقوق شهروندی. فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، ۳(۲) (پیاپی ۱۱)، ۳۹-۵۰.

- رهدارپور، حامد، چنگایی، فرشاد، و رهدارپور، مسعود. (۱۳۹۰). *حفظ حقوق شهروندی در قلمرو مکتب عدالت ترمیمی*. همایش ملی نظارت قضایی و حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران، کرمانشاه.
- زهر، هوار. (۱۳۸۳). *کتاب کوچک عدالت ترمیمی* (ترجمه حسین غلامی، چاپ اول). تهران: انتشارات مجد.
- سالک رازی، مجتبی. (۱۴۰۰). جایگاه شهرداری‌ها از منظر حقوق شهروندی. *مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۳(۳۱)، ۷۶-۹۳.
- سام آرام، عزت‌الله، حسینی حاجی بکنده، سید احمد، و موسوی چلک، حسن. (۱۳۹۷). سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی*، ۵(۵۵)، ۶۷-۹۸.
- سنگانه، رحمان، زراعت، عباس، گنجی، محمد، و خسروشاهی، قدرت‌الله. (۱۳۹۹). تحلیل موانع اجتماعی-فرهنگی اجرای عدالت ترمیمی در استان اصفهان. *نشریه علمی انتظام اجتماعی*، ۱۲(۲)، ۷۷-۱۰۰.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۱). *حقوق جزای عمومی* (جلد ۱). تهران: انتشارات گنج دانش.
- صلاحی، جاوید (۱۳۹۵). *کیفرشناسی* (چاپ چهارم). تهران: انتشارات میزان.
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲). عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری. *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۵(۹)، ۸۵-۱۲۸.
- عبداللهی‌پور، مهدی، رنجبر، رضا، و بشیری، محمدمهدی. (۱۴۰۳). بررسی آثار به کارگیری مجازات جایگزین حبس در تحقق بعد دینی تربیت اجتماعی فرزندان افراد بزه کار. *فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی*، ۴(۱۳ پیاپی)، ۹-۲۷.
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۸). *حقوق جنایی* (چاپ نهم). تهران: انتشارات فردوسی.
- علیوردی‌نیا، اکبر، و انصاری، پریا. (۱۳۹۸). راهبردهای پیشگیری از جرم: عدالت ترمیمی بدیلی بر بازدارندگی سنتی و عدالت کیفری. *فصلنامه راهبرد فرهنگی-اجتماعی*، ۸(۳۰)، ۱۴۷-۱۷۴.
- غلامی، حسین. (۱۳۸۵). *عدالت ترمیمی* (چاپ اول). تهران: انتشارات سمت.
- فتاحی زعفرقندی، سجاد. (۱۳۹۵). بررسی مجازات جایگزین حبس در اسناد بین‌المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان. *فصلنامه مطالعات حقوقی*، ۱۱(۱)، ۵۳-۷۰.
- فرح‌بخش، مجتبی، رمضانی، احمد، و توسلی، قاسمعلی. (۱۴۰۱). واکاوی چالش‌های جایگزینی خدمات عام‌المنفعه با مجازات حبس، با رویکرد بر رویه قضایی. *فصلنامه علمی آموزه‌های فقه و حقوق جزا*، ۱۱(۳ پیاپی)، ۴۳-۶۴.
- فرکم، انگک وان. (۱۳۸۴). نقش بزه‌دیده در عدالت ترمیمی، مجموعه مقالات *عدالت ترمیمی*، ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ اول: انتشارات خلیلیان، ۹۱-۱۳۷.
- فیروزیان حاجی، حمیدرضا، حاجی تبار فیروزجائی، حسن، و کلاتری، کیومرث. (۱۴۰۰). چالش‌های ناشی از اجمال قانون مجازات اسلامی در مرحله اجرای مجازات جایگزین حبس. *فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۶(۹۶)، ۴۳-۶۸.
- کامیار، غلامرضا. (۱۳۸۷). *حقوق شهری و شهرسازی* (چاپ سوم). تهران: انتشارات مجد.
- کمالی، حمید. (۱۴۰۲). *وظایف شهرداری‌ها در قبال حقوق شهروندان*. اولین همایش بین‌المللی علوم سیاسی، حقوق و حوزه‌های دینی و مذهبی با رویکرد نگاهی به آینده، مؤسسه چندمنظوره فرهنگی هنری بام پژوهش پرواز جنوب بوشهر.
- لطفی، حیدر، عدالتخواه، فرداد، میرزایی، مینو، و وزیرپور، شب‌بو. (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان. *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، ۲(۱)، ۱۰۱-۱۱۰.
- محمدحسین‌زاده، عبدالرضا، و مرادقلی، سعید. (۱۳۹۳). *نگاهی فقهی به مجازات جایگزین حبس از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی، مرکز علمی و کاربردی خانه کارگر گرگان.
- محمدیان پهنوار، یوسف. (۱۳۹۶). *تحلیل کیفرشناختی خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران*. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

- محمودی، ژیلا. (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی عدالت ترمیمی با عدالت کیفری در نظام جزایی کنونی. *فصلنامه علمی-حقوقی قانون‌یار*، ۳(۱۲)، ۲۵۵-۲۳۱.
- مرادی، امیر، آشوری، محمد، مهدوی ثالث، محمدعلی، و مهرا، نسرین (۱۳۹۹). اخلاق عدالت ترمیمی و نقش آن در استقرار امنیت اجتماعی. *پژوهش‌نامه نظم و امنیت/انتظامی*، ۱۳(۴ (پیاپی ۵۲))، ۲۰۵-۲۲۸.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی، و متین‌پارسا، محمد. (۱۴۰۰). چالش‌های تقنینی اجرای خدمات عمومی رایگان از منظر قضات. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۵(۱۱۴)، ۳۴۳-۳۷۵.
- میرخلیلی، سید محمود، و یعقوبی، تقی. (۱۳۹۶). بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها. *فصلنامه راهبرد*، ۲۶(۸۲)، ۹۹-۱۲۸.
- میرزایی، احمد، احمدی، ذبیح‌الله، و سلیمانی باغشاه، اکبر. (۱۳۸۷). *محکومیت‌های کیفری مؤثر در حقوق ایران* (چاپ اول). بوشهر: انتشارات دستغیبی.
- میرنقی‌زاده، میرحیدر، و صفری، اکبر. (۱۳۹۶). مقایسه عدالت کلاسیک با عدالت ترمیمی. *فصلنامه علمی-حقوقی قانون‌یار*، ۲، ۲۱۹-۱۹۹.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). *تقریرات درس جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی)*. دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، شادمان‌فر، محمدرضا، و توجهی، عبدالعلی. (۱۳۸۷). اصلاح ذات‌البین و نظریه عدالت ترمیمی. *مدرس علوم انسانی- پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۳(پیاپی ۵۸)، ۱۹۳-۲۲۲.
- نصر، امین، و قاسمی، راضیه. (۱۴۰۲). ارزیابی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری از منظر سیاست جنایی ریسک‌مدار. *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۱(۲۲)، ۳۹-۶۸.
- نوربخش، سید محمدامین، و والی‌زاده، سیده سمیه. (۱۳۹۶). *جرم‌شناسی عدالت ترمیمی*. کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، شیراز.
- والهی، حمید، و احسان‌پور، سیدرضا. (۱۳۹۵). جایگاه جایگزین‌های مجازات حبس با رویکرد فردی کردن آن‌ها در نظام عدالت کیفری ایران. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۳(۸۵)، ۲۴۷-۲۷۸.

استناد به این مقاله: تیموری، مهرداد، و نوری، زهرا. (۱۴۰۳). خدمات عمومی رایگان، جلوه‌ای از مجازات جایگزین حبس؛ فرآورد عدالت ترمیمی در پرتو حقوق شهری. *فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق*، ۴(۳)، ۴۲-۶۶.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.